

# آموزش برای بزرگسالان روستایی

□ امالو وان تیلبرگ

□ آلن بی، مور، ۱۹۸۹

ترجمه: مهندس اسماعیل کریمی دهکردی

## ■ مقدمه

ساخت و بررسی موقعیت مناطق روستایی کشورهای گوناگون و نیز فعالیتهای آموزشی مرتبط با آنان، در انتخاب شیوه‌های مناسب ارائه خدمات آموزشی، حایز اهمیت هستند.

مقاله حاضر، ترجمه یکی از فصلهای کتاب راهنمای آموزش بزرگسالان و مستمر است، که به بررسی آموزش بزرگسالان در روستاهای آمریکای شمالی می‌پردازد. بر این اساس، نویسندگان، مشکلات و نیازهای جامعه روستایی را مورد بررسی قرار می‌دهند و نیز زمینه‌هایی را به منظور بهبود آموزش بزرگسالان در این مناطق معرفی می‌کنند.

از جمله بحثهای موجود در مقاله، می‌توان به: مفهوم روستا، خصوصیات افراد و اجتماعات روستایی، فعالیتهای آموزشی کنونی در روستاها، زمینه‌های آموزش بزرگسالان، روشهای آموزشی و آینده آموزش بزرگسالان روستایی، اشاره نمود.

در هنگام شنیدن کلمه روستا، چه چیزی به نظر تان می‌آید؟ شهرک استخراج زغال سنگ در شرق آمریکای شمالی، روستای ماهیگیری کوچکی در سواحل اقیانوس اطلس، سرزمین دور افتاده‌ای واقع در توندرا در آلاسکا، دهکده‌ای کوهستانی در سلسله جبال داکای کانادا یا سرزمینی با خاکهای سرخ و رسی گرم و مرطوب قاره‌ای در بیچ و خم دره می‌سی‌سی‌پی، کدام یک روستاست؟

همه نمونه‌های فوق، (با حتی هیچ کدام از آنان) می‌توانند جزء مناطق روستایی باشند. تعریفی که برای یک ناحیه روستایی مساعد دارد، ممکن است برای ناحیه دیگر مساعد نباشد. هالچ (۱) (1984: p. 236) در مدارس روستایی بخسها، نیازهای کودکان تحت نوسن را مورد بررسی قرار می‌داد، عقیده داشت، «به علت تنوع خرده فرهنگهای اجتماعی، جوامع روستایی با تعداد جمعیت نخبسان، مراکندهی برابر و از این قبیل، نیز، اختلاف فاحشی با هم دارند» (۲) و ویلر (۳) و کرایدر (۴) (1982)، ناهمگونی جامعه روستایی را، ناشی از سه عامل اصلی می‌دانند: که به طور عمده، در گروهبندی اجتماعی به نام روستا متفاوت می‌باشند؛ درجه ذمعهیت استغالی یا بوم‌سناسی زندگی روستایی (زمن زراعی و زارعین مختلف)، مشخصات ساختمی جمعیت (سن، درآمد، آموزش، جنس، نژاد و قومیت) و تنوع نواحی جغرافیایی که باعث به وجود آمدن مناطق روستایی آمریکای شمالی شده است (پستی و بلندی و مربوط به محل اشتغال).

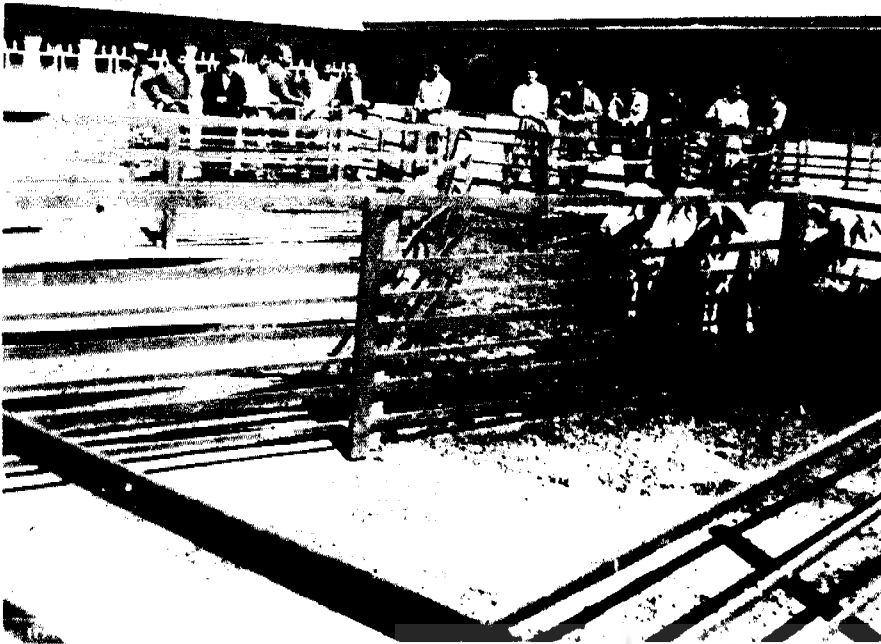
با وجود مشکل ساخت مردم روستایی، به عنوان زیرگروه ویژه‌ای از جامعه آمریکای شمالی، نویسندگان با ویلر، بیلر و کرایدر موافق هستند. در این که: «تفاوتهای مهم، بین شهر و روستای ایالات متحده و [همه آمریکای شمالی] همچنان ادامه دارد.»

بنابراین، هدف این فصل [مقاله] و تاکید نویسندگان، بر این است، که می‌توانند، به وضوح، بزرگسالان روستایی را به عنوان یک خرده فرهنگ خاص توصیف نمایند و سبایل آنان را بهتر بسازند و نحوه ارائه خدمات آموزشی به آن خرده فرهنگ را روشنتر کنند.

## □ چرا این فصل به آموزش بزرگسالان روستایی اختصاص یافت؟

«اکثر جمعیت جهان، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، بخش عمده‌ای از زمینهای جهان، به فعالیتهای روستایی اختصاص یافته است و از این مناطق مسکونی، روستاها هستند.» (Bunce, 1982, P. 13) در ایالات متحده، یک چهارم جمعیت، آنهاهی که: «در مزارع، حاشیه شهرها یا در مناطق غیر شهری با جمعیت کمتر از ۱۰ هزار نفر، زندگی می‌کنند» به عنوان روستایی تقسیم‌بندی شده‌اند (Miller, n.d.). در کاربرد یک تعریف ثابت و کلی از آبادیهای روستایی - آنهاهی که کمتر از ۲ هزار نفر جمعیت دارند - می‌توان گفت: بین از ۱۴ میلیون از چنین آبادیهایی در دنیا وجود دارد. (Bunce, 1982)

دانشمندان به وضوح تصدیق نموده‌اند، حتی با این فراوانی زمین، اجتماعات و افراد روستاها، اغلب تحقیقات آموزشی به شهر تمایل سدید دارند و



گرایشی ما بین جامعه شهری و روستایی را بشناسد.<sup>۹</sup> هملیچ<sup>(۹)</sup> و وان تیلبرگ<sup>(۱۰)</sup> (1987)، در راستای نظر بانس، مفهوم روستا را به عنوان یک خرده فرهنگ می‌دانند. یک خرده فرهنگ، نشان دهنده گروهی از مردم است که تجارب زندگی یا صفات منحصر به فردی را در یک جامعه بزرگتر دارد. مدرسین آموزش بزرگسالان اعتقاد دارند: آموزش بزرگسالان روستایی بخشی از خرده فرهنگ روستایی است، آنها می‌توانند از پنج توصیه پیشنهادی هملیچ و وان تیلبرگ (1987, PP. 11 - 13) بهره‌مند گردند:

- ۱ - باورهای خرده فرهنگ را یاد بگیرید، درک کنید که این باورها ممکن است مختلف باشند. زندگی کردن با این باورها را بیاموزید. البته نه این که ضرورتاً باورها باعث پذیرش رفتار می‌شوند.
- ۲ - ارزشهای روستایی را درک کنید. با احترام گذاشتن به آن ارزشها و جای دادن آنان در روشهای آموزشی، احترام و اطمینان به دست آورید.
- ۳ - بدانید که چگونه خرده فرهنگ می‌آموزد و افراد چه کسی و چه چیزی را قبول می‌نمایند؟ سنت تأثیر بسزایی بر شیوه‌های آموزشی گروهها دارد.
- ۴ - هر خرده فرهنگی، درباره فرهنگ اصلی که آموزشگر بدان متعلق است، اعتقاداتی دارد. تاریخ کنش متقابل بین دو گروه را بیاموزید، تا در تسهیل کسب اطمینان و همکاری به شما کمک نماید.

اداره برنامه‌های آموزشی ویژه در ایالات متحده<sup>(۶)</sup> در طبقه‌بندی مدارس ناحیه‌ها، تعریف ثابت زیر را به کار می‌برد: ناحیه‌ای (آبادی)، روستایی است که ساکنین آن، کمتر از ۱۵۰ نفر در مایل مربع باشد یا آن آبادیهایی که ۶۰ درصد یا بیشتر از جمعیت شهرستانها در اجتماعاتی کمتر از ۵ هزار نفر در آنجا اسکان دارند. نواحی با بیش از ۱۰ هزار دانش آموز و آنهايي که در مناطق آبادی استاندارد شهری قرار سرشماری (SMSA) گرفته‌اند، بر طبق قرارداد اداره ایالات متحده،<sup>(۷)</sup> روستا نیستند.

(1984a, p.296,11c1g)

انتقادی که بر تعریف آماری یاد شده، وارد می‌شود این است که برای تفکیک شهر و روستا، مشخصاتی تعریف نمی‌کنند. از نظر جمعیت شناسی، در تعریف باید، مسایل فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اداری ملاحظه شود. با توجه به این انتقاد، بانس<sup>(۸)</sup> (1982) چهار معیار اصلی قابل استفاده در شناخت مناطق شهری از روستایی، ذکر میکند: جمعیت‌شناسی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی. از این چهار مورد، معیار اجتماعی فرهنگی، برای شناخت و درک روستا، مهمترین آنان به نظر می‌رسد. بر طبق نظر بانس (1982, P. 16)، این دیدگاه سعی دارد "در اغلب سکل‌های رفتاری در روستا، جامعه‌شناسی و روانشناسی روستایی را دخالت دهد. به این منظور، در تلاش است تا تفاوت‌های رفتاری و

(Darnell and simpson, 1981; Nash, 1980; sher, 1981) اما روندی در حال شروع است که تمایل فزاینده و مادامی - که مقتضی بخش روستایی است - به آموزش روستایی دارد. و در برخی موارد، جریان بالعکس مهاجرت به مزارع و شهرکهای کوچک دیده می‌شود (Deyoung, 1987). حتی اگر در اثر بحرانهای مالی مزارع، با از دست دادن پایه‌های اقتصادی، باعث از بین رفتن بعضی مناطق روستایی شود (Avery, 1985)، دیگر مناطق روستایی، رشد زیادی خواهند داشت. به رغم این تمایل، بیستر مطالبی که در مورد آموزش روستایی نوشته شده است؛ بر جمعیت ویژه‌ای همچون: اهالی شرق آمریکای شمالی، بومیان آمریکا، کومپروها، اسکیموها و سیاهان متمرکز است (Deyoung, 1987) و به خرده فرهنگ روستایی، به عنوان یک گروه متحدالشکل، دارای خصیصه‌ها، گرایشها، ارزشها و انگیزشهای مشترک توجهی نمی‌شود.

این فصل [مقاله] به عنوان بخش مجزایی از کتاب راهنمای آموزش بزرگسالان، حایز اهمیت می‌باشد، زیرا که اختلاف افراد و اجتماعات روستایی را نشان می‌دهد و از طرفی خرده فرهنگ ویژه‌ای را به نام "خرده فرهنگ روستایی" معرفی می‌نماید. اکنون توصیف روشنی از روستا در آمریکای شمالی ارائه می‌شود.

## □ مفهوم روستا

در این مقاله، انتظار نداشته باشید، تعریف جامعی از روستا<sup>(۵)</sup> آورده شود. آموزشگران، مدیران، سیاستمداران، جامعه‌شناسان و دیگر کسانی که از این کلمه استفاده می‌کنند، سالهاست که به دنبال یافتن صفاتی از افراد و اجتماعهای روستایی هستند، تا بتوانند آنها را در یک تعریف جهان شمول، سازماندهی کنند. به دلیل این که مفهوم شهر و روستا از نظر فرهنگی، تاریخی، سیاسی، اداری، بوم‌شناسی و مسایل مربوط به استغال، جدایی ناپذیرند، برای نودیف این که چه چیزی روستاست و چه چیزی نیست، چندین دیدگاه و روش وجود دارد. اما استفاده از یک دیدگاه، از کاربرد دیگر نظرات، در تعریف روستا، متنوعت به عمل می‌آورد. و از طرفی، هر دیدگاه با خود، تعداد زیادی بیش فرض، به همراه خواهد داشت.

۵- باید درک کنید که تاریخ گذشته خرده فرهنگ با موضوعات برنامه‌های آموزشی مرتبط است، تا کنون گرایشها، از طریق تجارب گذشته شکل یافته‌اند و ممکن است، به عنوان مانع یا مشوق عمل کنند.

در معرفی بزرگسالان روستایی به عنوان یک خرده فرهنگ به خاطر داشته باشید که یادگیری نقشهای یک خرده فرهنگ - از نظر کسب عاداتها و مهارت‌ها - مختلف است و شاید سطح متفاوتی از عملکرد شناختی را نیاز داشته باشد (Hallowell, 1953). آموزشگران با توجه به آن دسته صفات فرهنگی که بزرگسالان روستایی را به هم می‌پیوندند، قادرند، آموزش بزرگسالان روستایی را ارائه دهند.

دیدگاه دیگری نیز، در بحث مناظره‌های مقایسه شهر و روستا، توسط تهرانی<sup>(۱۱)</sup> (1986) آمده است (Mirkovic, 1980). نثر تهرانی و دیدگاه نیابن، شاید، در انطباق با کار پیرجسنه سورکین<sup>(۱۲)</sup> و زیمرمن<sup>(۱۳)</sup> (1929)، بهتر تشریح شده باشد. در این مورد، آنان تفاوت‌های بین خصیصه‌های شهری و روستایی را از نظر سغلی، محیطی، اندازه اجتماع، برآکنندگی جمعیت، تمایز و قشربندی اجتماعی و تحرک و نظام‌های کنش متقابل اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند. (جدول شماره ۱)

هوپس<sup>(۱۴)</sup> و دیلمان<sup>(۱۵)</sup> (1987, P.70) به مشخص نمودن اطلاعات موجود در جدول شماره (۱)، کمک کردند: «اغلب، خصوصیات فیزیکی مناطق یا گرایشهای مردم، باعث بوجود آمدن اختلاف بین شهر و روستا می‌شوند. به طور مشابه، معیارهای سغلی، بوم‌شناسی و اجتماعی فرهنگی نیز، به طور مجزا یا توأم باعث اختلافات می‌گردند. از نظر بوم‌شناسی، مناطق روستایی دارای توزیع جمعیت کم، محل‌های سکونت کوچک و آزاد هستند و به طور نسبی، اجتماع‌هایی جدای از دیگر بخشهای جامعه می‌باشند. از نظر سغلی؛ شغل در روستاها، صنایع جانبی است. در روستاهای آمریکا، کشاورزی همچون صنعت، عمده‌ترین شغل است. اگر چه، استخراج معدن، بهره‌برداری از جنگل و ماهیگیری نیز وجود دارند. از نظر اجتماعی فرهنگی، مناطق روستایی با خصوصیات: تفوق شخصی، روابط اجتماعی چهره به چهره بین افراد مشابه و تغییرات کند و نسبتی در

میراث سنتی فرهنگ، مشخص می‌شوند.»

## □ خصوصیات افراد و اجتماع روستا

انتقاد عمده‌ای که به مطالعه مقایسه‌ای خصوصیات روستا و غیر روستا وارد می‌شود و ایراد این تعریف را روشن می‌سازد، این است که، بزرگسالان روستایی را نادیده گرفته است. از این مطالعه چنین می‌توان استنتاج کرد که: در مجموع، در آمریکا، روستا، شامل: همه مناطق غیر شهری جامعه است و از طرفی، هیچ معیار سنجشی برای این که چگونه روستا یا هر محل مسکونی دور افتاده و مجزایی در منطقه غیر شهری واقع شده است، ارائه نمی‌دهد (Barker, 1985 a)

در تعریف این که چه کسی غیر روستایی نامیده می‌شود، نیز، مشکل مشابهی وجود دارد. کودن آف<sup>(۱۶)</sup> (1971) برای مواردی مانند: اختلاف گروه‌های شهری، آمیختگی زمین‌های قومی و زبانی، طبقات اجتماعی گوناگون، اختلاف آیین و فرقه‌های مذهبی و نیز بسیاری از شغل‌های اختصاصی و مجزا، مبنا و مرجعی را به وجود آورد. این نوع نیز، به خوبی و به طور زیادی در مناطق غیر شهری یافت می‌شود. بنابراین، صرف نظر از روستا یا غیر روستا، با شناخت ارزشها، باورها، سنتها و تجارب زندگی ویژه‌ای که اعضای یک خرده فرهنگ را تجمع داده است،

می‌توان برای آموزشگران، اطلاعات مورد نیاز را - جهت ارتقای معلومات - فراهم نمود، و به آنان کمک کرد، تا بر مسائل دخیل در اختلافات سطحی خصوصی ذکر شده، فایق آیند.

بارکر<sup>(۱۷)</sup> (1985 b) خصوصیات را از اجتماعات روستایی مشخص نمود که شاید می‌توانستند، ارزشها، باورها و سنتهای روستا را نشان دهند. وی اظهار نمود: مناطق روستایی دارای جمعیت پراکنده و دور افتاده‌اند، که اجتماعات آنها آزادانه پیوسته‌اند و از خدمات دور هستند. درصد بالایی از فقر، گریبانگیر بیشتر آنان است، در مناطق روستایی، استاندارد محل‌های سکونت پایین است و به امکانات پزشکی مناسب، دسترسی کمی دارند. به علاوه، وی عقیده داشت: در مناطق روستایی، جاذبه‌های فرهنگی بسیار کم و خدمات عمومی محدود است و به طور کلی، از امکانات رفاهی کشور آمریکا محروم مانده‌اند. البته به رغم کاستیهای فوق، در مناطق روستایی، رفتار ملایم‌تر، بهره‌مندی از منابع طبیعی، فعالیتهای مختلف روستایی، دوستی و میزان جرایم کمتر، ارزشها، باورها و سنتهای مثبت این مناطق بیان شده است. در هر حال، این ارزشهای مثبت و محدود زندگی روستایی وجود دارند. به بیان دیگر، افسانه‌های نیستند. از طرف دیگر، این ارزشها و باورها، باعث تشکیل تصورات روستایی می‌شوند.

جدول شماره (۱): اصطلاحات سورکین و زیمرمن در مورد تفاوت‌های شهر و روستا

شهر	روستا	خصیصه
فعالیت‌های صنعتی، تجاری، بازرگانی و اداری	فعالیت‌های کشاورزی، کشاورزی تجاری و فعالیتهای جنبی	شغل
جدای از طبیعت، بیشتر محیط‌های مصنوعی تا طبیعی	با طبیعت، بیشتر محیط‌های طبیعی تر تا مصنوعی	محیط
جماعت‌های بزرگتر مردم، مجاور شهرهای بزرگ	اجتماع‌های کوچک، دهکده‌ها و حاشیه شهرها	اندازه اجتماع
توزیع بیشتر، در هر مایل مربع افراد بیشتر، مردم در شهرها با شهرک‌های ۵ هزار نفری یا کمتر زندگی می‌کنند.	یک شهرستان، در اجتماع‌های ۵ هزار نفری یا کمتر زندگی می‌کنند.	توزیع جمعیت
گرایش بیشتر به سمت گروه‌های نامتجانس	گرایش بیشتر به سمت گروه‌های متجانس	خصوصیات جمعیت
تمایل بیشتری به تمایز و قشربندی دارد	تمایل کمتر به تمایز و قشربندی دارد	تمایز و قشربندی اجتماعی
در دهه ۱۹۷۰ حرکت به خارج از شهرها در دهه ۱۹۸۰ برگشت به شهر یا نزدیک شهرها (شهرک‌های اقماری)	در دهه ۱۹۶۰ تمایل مهاجرت به شهرها در دهه ۱۹۷۰ برگشت به مناطق روستایی در دهه ۱۹۸۰ برگشت به شهرها یا حاشیه شهرها	تحرک
گرایشهای جمعی و کمتر شخصی، توجه به افراد متنوع می‌تواند شخصی باشد.	گرایشهای فردی، شخصی، چهره به چهره	نظام‌کنش متقابل

آیا مشخصات روستایی آمریکا، سنتها، ارزشها و باورهای آنان را نشان می‌دهد یا محرومیتشان را بیان می‌کند؟ آیا بزرگسالان روستایی، چون خود خواسته‌اند، محروم و به دور از خدمات رفاهی هستند یا این که به راستی، توان مقابله با خصیصه‌های مشکل آفرین را ندارند؟ وان نیلبرگ در مطالعه خود، تحت عنوان "کاربرد مشارکت بزرگسالان در برنامه‌های آموزشی خدمات ترویج تعاون گونه اوهاییو"<sup>(۱۸)</sup>، در نتایج مقدماتی خود، بیان نمود که در جمعیت روستایی، ارزشها و گرایشهای مستقل، غالب می‌یابند. مطالعه مشارکتها، به منظور ارزیابی عوامل مربوط به مشارکت بزرگسالان، در برنامه‌های آموزشی، مورد تاکید بود، بدین صورت که عوامل ممانعت کننده و انگیزشگر مؤثر بر مشارکت، تعیین گردید. عوامل ممانعت کننده، بیشتر ارتباط مستقیمی با کنش متقابل مردم داشت. کنش متقابل با دیگران در برنامه، تسهیم اطلاعات با دیگران و سهیم بودن در علایق دیگر افراد، در طول برنامه به عنوان موانع مشارکت نام برده شدند. نتایج آماری دیگر اشاره داشت بر این که؛ جلوگیری از اجرای برنامه شخصی و به هدر دادن وقت شخصی، همچنان از موانع مشارکت روستایی به شمار می‌رود. تعبیری که شاید بتوان، از این یافته‌ها در اوهاییو به عمل آورد، این-که؛ بزرگسالان روستایی توجه خاصی به موضوعات شخصی دارند و مخصوصاً نمی‌خواهند مخالف دیگران عملی انجام دهند، همچنین براین اشاره داشت که برخی بزرگسالان روستایی، محرومیت را انتخاب می‌کنند.

در مطالعه دیگر (Archer, 1988)، با استفاده از روش بررسی درسنامه یستی و به طور تصادفی، نیازهای آموزشی افراد را مورد توجه قرار دادند. پاسخها از یک نمونه پنج هزار نفری افراد ایالت اوهاییو تهیه شد و تفاوت بین افراد شهری و روستایی را، از نظر منابع اطلاعاتی که بیشتر استفاده می‌کنند یا با آنها در ارتباطاند، نشان دادند. پاسخ دهندگان روستایی، کتابخانه‌ها، بانکها، کایسها و مؤسسات محلی، همچون: خدمات احیا و نگهداری خاک و خدمات ترویج تعاون گونه را به عنوان منابع مهم اطلاعات آموزشی مشخص کردند. در مقابل، بزرگسالان شهری، متخصصین و دانشگاهها را به



عنوان مهمترین منابع برسمردند.

مجدداً، سؤالی برای آموزشگران مطرح می‌شود و آن، انتخاب در مقابل شانس است. آیا پاسخگویان به دلیل این که منابع اطلاعاتی مناسب دیگری در اختیار ندارند، این منابع را انتخاب می‌کنند (مانند دانشگاهها و برنامه‌های رسمی). یا این که منابع اطلاعاتی مورد نظرشان را با اعتقاد راسخی برمی‌گزینند؟

مک کنون<sup>(۲۰)</sup> در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۸۱ داشت؛ برنامه‌های آموزشی بزرگسالان روستایی و غیر روستایی را در می‌نهد سوتا<sup>(۲۱)</sup> مورد مقایسه قرار داد و تفاوت محتوای هر دوره را گزارش نمود. هنگام استفاده از اطلاعاتی، مانند: مطالعه مک کنون، آموزشگران علاوه بر توجه به اختلافات، باید علل تفاوتی موجود را نیز در نظر بگیرند.

### □ اقداماتی برای آموزش بزرگسالان در مناطق روستایی

از یک مدرسه تک کلاسه پایه ششم گرفته تا مدارس ابتدایی بزرگ دولتی یا محلی، در همه، آموزش جوانان جزئی از اجتماعات روستایی آمریکای شمالی است. همزمان با توسعه نظامها و شبکه‌های آموزشی به تدریج برای بزرگسالان فرصتهای یادگیری مستمر<sup>(۲۲)</sup> به دست آمد (Gelpi, 1985). انجمنهای کشاورزان،<sup>(۲۳)</sup> دفاتر مزرعه<sup>(۲۴)</sup> و دیگر سازمانها،

جهت ارائه اطلاعات با ارزش، در زندگی بزرگسالان انتخاب شدند. خدمات ترویج تعاون گونه در افزایش دانشکده‌های موجود از سطح دانشگاه تا اماکن محلی روستایی پیشرو بود، مؤسسه‌های دیگر، از جمله: درمانگاهها، کتابخانه‌ها، مدارس فنی و حرفه‌ای، دانشکده‌ها و دانشگاهها و کمیسیونهای ملی، ایالتی و محلی نیز در آموزش بزرگسالان روستایی سابقه‌ای دارند (Hone, 1984; Treadway, 1984) همزمان با افزایش اطلاع و آگاهی جامعه، زمینه‌ها و فرصتهایی نیز، در جهت آموزش مستمر جمعیت متنوع بزرگسال روستایی فراهم می‌شود.

گزارشهای هون<sup>(۲۵)</sup> (1984)، میز<sup>(۲۶)</sup> و اسپیرز،<sup>(۲۷)</sup> (1985) نشان داد که هیچ مؤسسه‌ای به تنهایی برای جامعه متنوع روستایی مناسب‌ترین ارائه دهنده اطلاعات نیست. در واقع، هون ۵۴ برنامه مجزا را در جهت ارائه آموزش روستایی برشمرد. میز و اسپیرز، مشخصات سازمانهای موفق در آموزش روستایی را بیان نمودند. مطابق نظر این نویسندگان: یک مؤسسه موفق، پاسخگوی نیاز ویژه اجتماع و انتظارات فراگیر بزرگسال است، همکاری گسترده‌ای با دیگر مؤسسه‌های اجتماعی دارد و مطالبی توصیفی مختصر و عاری از اصطلاحات را، برای برنامه‌ها و خدمات پیشنهاد کند.

مؤسسه‌ای به نام دانشگاه بشر<sup>(۲۸)</sup> (UIM)، مشخصات ذکر شده میز و اسپیرز را نشان داده است. در انتشارات UIM، میز تجربه چهار مؤسسه اجتماعی ارائه دهنده آموزش بزرگسالان روستایی را گزارش داد. این مؤسسه‌ها، عبارتند از: کتابخانه‌ها، ائتلاف آموزشدهنده‌های خصوصی،<sup>(۲۹)</sup> خدمات ترویج تعاون‌گونه ایالتی و اداره ایالتی امور روستاها.<sup>(۳۰)</sup> مطابق با نظر میز، چون این مؤسسه‌ها مخاطبین و نیازهایشان را شناختند و با دیگر مؤسسه‌های محلی همکاری داشته‌اند و به شیوه‌ای مؤثر خدماتشان را عرضه نموده‌اند، بیشتر آنان در ارائه آموزش به بزرگسالان روستایی موفق بوده‌اند.

آموزشده‌های اجتماع،<sup>(۳۱)</sup> در ارائه برنامه آموزشی به مناطق روستایی، نقش بسزایی دارند. (Sullins and Atwell, 1986)، به طور کلی، فلسفه آموزشدهنده اجتماع در آمریکا، به منظور ایجاد ارتباط و هماهنگی نقش آموزش در اجتماع طرح شد. از دیگر رهیافتهای منحصر به فرد آموزش روستایی، می‌توان به مدل آلاسکایی<sup>(۳۲)</sup> اشاره نمود، که از شبکه آموزش از راه دور، توسط سیستم مخابراتی استفاده می‌کند (کمیسیون آموزش بعد از تحصیلات متوسطه در ایالت آلاسکا، 1985)<sup>(۳۳)</sup> بنا بر گزارش مارگونیس<sup>(۳۴)</sup> (1986)، مردم شهر کانریز<sup>(۳۵)</sup>، برای تشویق آموزش بزرگسالان مناطق روستایی، با تهیه دستورالعمل و برنامه کاری به صورت یک راهنما، دست به ابتکار زدند.

به منظور شناخت مشکلات و درک نیازهای آموزش بزرگسالان و آموزش بعد از تحصیلات متوسطه روستاییان و تحقیق و توسعه مطالعات (برنامه‌های کاری، شناخت برنامه‌های موجود و ارزشیابی از نظام آموزشی)، از صندوق بهبود آموزشدهنده‌های بعد از تحصیلات متوسطه<sup>(۳۶)</sup> (TIPST)، استفاده شد، تا تسهیلاتی را در جهت نیازهای آموزشی بزرگسالان روستایی فراهم آورد. این پروژه (1986)، چهارچوب و شبکه‌ای را در جهت طرح و ارائه خدمات آموزشی به بزرگسالان، مشخص می‌کند.

در نتیجه اقتباس از آموزگاران اروپایی، در مورد مفهوم دبیرستانهای قدیمی، بعضی مدرسین آموزش

بزرگسالان آمریکا، سعی نموده‌اند تا مراکز آموزشی آموزش بزرگسالان را در ایالات متحده تأسیس کنند. یک مدرسه قدیمی در منطقه کوهستانی<sup>(۳۷)</sup> در نیومارکت،<sup>(۳۸)</sup> تنسی<sup>(۳۹)</sup> مرکز اصلی آموزش روستایی آمریکاست، که به بالا بردن قدرت خلاقیت، افزایش اعتماد به نفس و درک بهتر از خویشتن،<sup>(۴۰)</sup> اهمیت می‌دهد. فرد ساکن در منطقه کوهستانی، به طور بنیادی، در مسایل حقوق مدنی فعال شده و نقش وی در بسیاری از مسایل روستایی که در آنها توانمند شده است، استمرار می‌یابد. داستان مدرسه قدیمی کوهستانی کمک کرد، تا یک تفسیر بدیلی از آموزش سنتی کشور ارائه شود (Adams, 1972)

## ■ تلاشهایی برای زمینه‌های آموزش بزرگسالان روستایی

مؤسسه‌هایی که وظیفه آموزش روستایی را برعهده دارند، در چگونگی ارائه خدمات آموزشی از اغرض و خطا عاری نیستند (McDaniel, 1986). انزوای اجتماعی و دوری از مهارت‌های تخصصی و دوری از خدمات، همچنین، موانع جغرافیایی، برای سازمانهای آموزشی که در پی استخدام و حفظ متخصصین لازم هستند، مانع ایجاد می‌کند. روستاها، اغلب نمایندگان برجسته کمتری دارند و سطح حقوقی آنها پایین تر است. تسهیلات آنان در حد کفایت نیست و فرصتهای سغلی کمتری دارند. آنان فاقد رای و قدرتی هستند که توسط گروهی از نمایندگانشان بتوانند، در جهت بهبود مسائلشان تلاش نمایند.

اما پاسخ به موقعیتهای خاص یادگیری، آگاهی از ارزشها و باورها، یادگیری چگونگی بررسی اختلافات مهم و توسعه شیوه‌هایی برای هماهنگی این اختلافات با موقعیتهای آموزشی، شناس موفقیت خوبی را برای مدرسین آموزش بزرگسالان فراهم می‌کند. در زیر، زمینه‌هایی برای آموزگاران آموزش بزرگسالان روستایی، ذکر شده است.

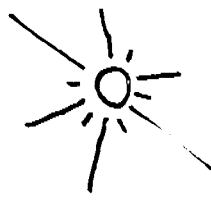
حل مسأله<sup>(۴۱)</sup> کسی که گزارش کیلاکی<sup>(۴۲)</sup> (1984) را می‌خواند، ممکن است، زندگی بزرگسالان روستایی را به صورت خلاق، با استعداد و دارای قابلیت بالا تصور کند، استعداد شخصی، باعث استقلال و عدم وابستگی فرد می‌شود. در نتیجه؛ مدرسین آموزش

بزرگسالان باید آن را در روشها و نظامهای آموزشی، مورد توجه قرار دهند. ارزیابی دقیق از موقعیت آموزشی، به برنامه‌ریزی کمک می‌کند و بدون این که افراد نقاط ضعفشان را نشان دهند، به همکاری تشویق می‌شوند. به نظر می‌رسد، مدلی تحت عنوان دانشگاه آزاد روستایی (maes, 1981)، به منظور برآورده کردن نیازهای یادگیری و آموزشی بزرگسالان روستایی مناسب باشد.

شبکه‌های ارتباطی<sup>(۴۳)</sup> ارتباطات درونی مناطق روستایی، نسبت به روایا شهر با روستا یا حتی برخی موارد نسبت به روایا درونی مناطق شهری، بهتر صورت می‌گیرد. بنابراین، شبکه‌های ارتباطی محلی در انتشار اطلاعات، می‌توانند وسایل مؤثرتری باشند. بیشتر مطالعاتی که در مدل‌های قبلی ذکر شده (spears and Maes, 1985; maes, 1981) در مناطق مزبور می‌توانستند، روابط ناسلمومی را در برنامه‌ریزی آموزشی، ارائه دهند و شیوه‌های موفق (رهیافتهای موفق) را برای فعالیتهای آینده مشخص کنند. در برنامه‌ها و خدمات متکی بر تعاون، می‌توان از رهبران محلی به عنوان یک الگو در شبکه‌های ارتباطی استفاده کرد.

دخالت<sup>(۴۴)</sup> (جذب و همکاری): ماهیت افراد روستایی، ساده است و جدای از خانواده، اجتماع و محیط نیست. کومیز<sup>(۴۵)</sup> و اهدم<sup>(۴۶)</sup> (1974)، به منظور بهبود زمینه‌هایی که بزرگسالان روستایی می‌توانند، در برنامه‌ریزی آموزشی نقش داشته باشند؛ از طریق هماهنگی علایق خاص بزرگسالان، پیشنهادهایی ارائه نمودند. برای مثال، در زیر مواردی آمده است:

- - آموزش پایه عمومی: شامل سواد آموزی، ریاضیات، شناخت اجمالی محیط
  - - آموزش خانه‌داری: برای بهبود وضع زندگی خانواده، دانش، مهارت و نگرشهای مفیدی را در خانه‌داری و کودکیاری ارائه می‌دهد.
  - - آموزش بهبود اجتماع: به منظور تقویت فرآیندها و نهادهای ملی و محلی است.
  - - آموزش اشتغال: برای کسب شغل و حفظ آن، دانش و مهارت‌های لازم را توسعه می‌دهد.
- برنامه‌هایی که چند منطقه را در برمی‌گیرد،



۲ - چه کسانی را باید مورد هدف قرار دهد؟  
 ۳ - مناسب‌ترین وسیله برای انتقال پیام چیست؟  
 آموزسگران دربارهٔ این سؤاها، به پاسخهای بشمارى برخوردار مى‌کنند. در کار با بزرگسالان، به عنوان افراد، انفرادى در درون گروهها و گروههایی با هویت جمعی، مدرس آموزش بزرگسالان روستایی، باید بتواند، پاسخها را تنظیم نماید، مورد ارزیابی قرار دهد و مناسب‌ترین راه حل را برای موقعیت خاص انتخاب کند. تعداد زمینه‌های مدرس آموزش بزرگسالان روستایی در مقایسه با دیگر آموزشگران، زیادتر نیست، اما ممکن است، از نظر گستردگی، ابتکار، خلاقیت و عمق حساسیت مسایل خرده فرهنگی که نیازمند آموزشگر است، منحصر به فرد باشد.

### ■ دیدگاههای روش شناسی، تکنولوژی و شیوه‌های ارائه خدمات آموزشی

در کار با بزرگسالان روستایی، دیدگاههای روش شناسی زیادی وجود دارد. از نظر مدرسین آموزش بزرگسالان، آنان می‌خواهند از شیوه‌های گروهی به جای روشهای دیگر استفاده کنند، بسیاری از سازمانهای موفق آموزش بزرگسالان روستایی همچون خدمات ترویج تعاون گونه، بهداشت روستایی و سازمانهای داوطلب، روشهای گروهی را به کار می‌برند. اما اعمال روشهای گروهی در هنگام برخورد مستقیم با بزرگسالان و استفاده از روشهای یادگیری انفرادی، برای آموزشگران مشکلاتی می‌آفریند. نتایج مطالعه وان تیلبرگ (1988, Appendix D, P. 17) شامل موارد زیر می‌شد: «چگونگی انجام کار را با دقت به من نشان دهید یا چگونگی آن را به من بگویید تا آن کار را انجام دهم» و «در کار با گروه، یا کارهای مربوط به اجتماع، برای من در درس ایجاد نکنید». این عواطف سنتی، نشان می‌دهد که فراگیران روستایی موقعیت یادگیری انفرادی را ترجیح می‌دهند و آنان وقتشان را برای کار و فعالیتهای اجتماعی تفکیک می‌کنند. آموزش در حین کار است، هنگام انجام کار ممکن است، زمان فعالیتهای اجتماعی (اجتماعی شدن) نیز باشد.

برنامه‌های آموزش بزرگسالان می‌تواند و باید،

خودشان اطلاع و آموزش دهند. همچنین، برنامه‌ها و مهارتهای کشاورزی را که قبلاً قابل دسترس نبود، توسعه دهند. آنان، به ویژه، توانستند، میزان ترکیبات شیمیایی مورد استفاده در تولید مواد غذایی دامها را کاهش دهند. و نیز، توانستند، در شهر، برای بزرگسالانی که قادر بودند، از لحاظ شیمیایی مواد غذایی تمیزتری را خریداری کنند، بازار جدیدی معرفی نمایند. این خانواده‌های کشاورز، از طریق کار و یادگیری توانم در برنامه‌ها و فعالیتهای کشاورزی، استقلال بیشتری به دست آوردند.

اما مثالهای یاد شده، برای مدرسین آموزش بزرگسالان، زمینه‌هایی هستند که باید در آنها تلاش کنند، بسیاری از این زمینه‌ها، مستقیماً به پاسخهای سه سؤال زیر مربوط می‌سوند:

۱ - پیام چیست؟ و چه باید باشد؟

نسبت به برنامه‌های متمرکز بر یک منطقه خاص، موفقیت بیشتری دارند. به نظر می‌رسد، بزرگسالان روستایی به دلیل داشتن خانواده، شغل و اجتماع، منسجم‌تر و کرایش پیوستگی و همکاری‌شان بیشتر است.

مطالعهٔ هاور کمپ (۱۷) (1988)، در خانواده‌های کشاورز میشیگان، نمونه‌ای از برنامه آموزش بزرگسالان روستایی است که از این رهیافت چند بعدی (۱۸) استفاده نمود. این برنامه، قدرت تصمیم‌گیری روستاییان را در مورد مسایل و مشکلات کشاورزی افزایش داد. وی دریافت، خانواده‌هایی که برای مسایل خاص کشاورزی باهم کار می‌کردند، قادر بودند، تا وضع زندگی‌شان را بهبود دهند. این خانواده‌ها، یک شبکه ارتباطی و جریان یادگیری بوجود آورده بودند، که توسط آن می‌توانستند، به

نمایندگان جمعیت‌های روستایی را مورد هدف قرار دهد. برای کمک به بزرگسالان مناطق روستایی، ابزار گوناگونی وجود دارد. از این ابزارها: ماهواره‌های تلویزیونی (۵۱)، down links، cable TV (۵۱) و دستگاه ضبط ویدیو کاست (۵۲) (VCRs) و نوارهای ویدیویی، برنامه‌ها و شبکه‌های کامپیوتری ویدیوهای دارای کنش متقابل، (۵۳) (رادیوهای دو سوپه (۵۴) و تلفن‌ها را می‌توان نام برد. بیش از یک وسیله از آنها را می‌توان در خانه، اداره، مراکز اجتماعی، محل کار یا مراکز صنعتی در دسترس داشت. همچنین، در دانشکده‌ها یا مدارس خصوصی و عمومی و دیگر سازمان‌های خدمات اجتماعی، همچون اداره‌های دولتی یا انجمن‌های داوطلب، قابل دسترس هستند. تهیه مواد آموزشی لازم برای بزرگسالان نواحی روستایی، به مواردی همچون: منطقه جغرافیایی، اعتقادات فرهنگی و دسترسی به تکنولوژی و ابزار برای ارائه برنامه‌ها، بستگی داد. هملج هامیستر (۵۵) (1984) و دیلمان (1985)، در مورد این که چگونه تکنولوژی می‌تواند، دسترسی به اطلاعات و فرصت‌های یادگیری را تسهیل نماید، مثالهایی آورده‌اند:

- cable TV، برای ارائه برنامه‌هایی که مستقیماً یا از طریق کانال‌های ماهواره‌ای تلویزیونی دریافت می‌شوند، می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.
- در برخی شغلها، همچون: اتومکانیک (۵۶) و لوله کشی، برای آموزش مهارت‌ها می‌توان از نوارهای ویدیویی استفاده نمود.
- وان موبایلها (۵۷) همراه با کامپیوترها و ابزار ویدیویی دو سوپه، می‌توانند به مدارس، محلهای کار، کارخانه‌ها، محلهای فروش، فروشگاههای محلی و روستاها، خدمات برسانند.
- تلفنهای کنفرانس، ممکن است، برای برخی گروهها کاربرد داشته باشد.
- خلبانها، خدمه‌های نفت کنشها، کامیون داران و دیگر افرادی از این قبیل، برای انتقال اطلاعات می‌توانند، از رادیوهای دو سوپه (CBS) و دیگر رسانه‌های خبری استفاده کنند.
- کتابخانه‌های محلی دارای ایستگاههای رادیو و تلویزیون، کتاب، مجله و اسخاصی برای کمک به

بزرگسالان و فعالیتهای مختلف یادگیری می‌باشند. ● شبکه‌های انفرادی در شغل‌های فنی و حرفه‌ای، از تابلوهای اعلانات کامپیوتری برای ارسال و دریافت پیامها، اطلاعات و دانش درباره مسایل و مفاهیم استفاده میکنند.

همه این ابزار و سوبه‌های ارائه خدمات، جهت ارسال پیام و دسترسی به نرم‌افزار و سخت افزار، به سطح درآمد یا منبع حمایتی پایه‌ای نیاز دارند. به طور کلی، هیچ برنامه‌ای برای روستاییان فقیر ساخته نشده است. کسانی که: ۱ - یا مزد کم ساعتها کار می‌کنند. ۲ - برای حرکت در درون یا بیرون منطقه‌شان منابع محدودی دارند. ۳ - دانش و مهارت استفاده از این وسایل را ندارند. ۴ - منابع مالی لازم برای پرداخت حق اشتراک استفاده از وسایل، اجاره بها یا خرید نرم افزار و سخت افزار را ندارند.

بنابراین، چگونه به این بزرگسالان، خدمات ارائه شود؟ هون (1985) و دیگران نشان دادند، که باید حداقل سطح حمایت، در دسترس همه بزرگسالان نیازمند، در مناطق مزبور، قرار گیرد.

### □ آینده آموزش بزرگسالان روستایی

دیلمان، سوالهایی را مطرح نمود، که کسانی که تسهیل کننده راه حل و مشکلات بزرگسالان روستایی بودند، آنها را جواب ندادند. اولین سوال: چگونه تکنولوژی، خرده فرهنگ روستایی را تغییر و پیشرفت می‌دهد یا آن را حذف می‌کند؟ آیا تکنولوژی، مناطق و مردم روستایی با محل، ارزشها، نیازها یا کنشهای متقابل اجتماعی یکسان را به طور ریشه‌ای تغییر خواهد داد؟

سوال دوم: در آینده، در مناطق روستایی، چه کسی زندگی خواهد کرد؟ آیا مناطق روستایی کم شده و همچون شهرکهای خیالی جنوب غربی خالی از سکنه می‌شوند یا این که رشد و پیشرفت خواهند کرد؟

سوال سوم: چه کسانی یا هم کنش متقابل خواهند داشت و پیامدهای این برخوردها چیست؟ به دلیل وجود سیستم مخابراتی از راه دور، آیا پراکندگی مردم بیشتر می‌شود یا کمتر؟ آیا مردم به یک شهرک محلی، شهر، یا شهرستان مرتبط می‌شوند یا با شبکه‌های ملی یا محلی ارتباط می‌یابند؟

سوال آخر: چه نهادهای ساختاری از بین می‌روند و برای ارائه خدمات به بزرگسالان روستایی چه نهادهای جدیدی تشکیل می‌شوند؟ آیا نهادها در روستا و محل یا در فاصله برخی شهرکها قرار می‌گیرند. یا به عنوان جزئی از یک شبکه مخابراتی از راه دور، در فاصله ایستگاه تأسیس می‌شود.

در هنگام بررسی ارزشها و باورهایی که منشأ خصیصه‌های اسنادی هستند و مطالعه دیدگاه جهانی به هم پیوستن بزرگسالان روستایی، اگر آموزشگر، بزرگسال روستایی را به عنوان عضوی از خرده فرهنگ موجود در روستا در نظر گیرد، چهارچوب کار برای آن شخص می‌شود.

درک خصوصیات عمومی بیشتر بزرگسالان روستایی و آگاهی از ارزشها و باورهایی که منبع آن خصوصیات هستند، می‌تواند تصویر جامعی از بزرگسال روستایی، ارائه دهد. آن گاه این درک با کمک تشریح تصویری که به روشنی قادر است، صفات فرهنگی پنهان شده را نشان می‌دهد؛ اختلاف فراگیران شهری و روستایی را مشخص می‌کند. سنتهایی که با پیچیدگی خاصی در گذشته، حال و آینده یک فرهنگ به وجود آمده‌اند، درک عمیق تری از دلایل مربوط به ارائه خدمات آموزشی به بزرگسالان روستایی عرضه می‌کنند.

### ■ این متن از کتاب زیر برداشته شده است:

Emmalou Van Tilburg and Allen B. Moore (1989) "Education for Rural Adults", in Sharan B. Merriam and Phyllis M. Cunningham, (ed) Hand Book of Adult and Continuing Education. N. W. Washington, D. C. U. S. A : American Association for Adult and Continuing Education.